

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۱

(صص ۱۴۹-۱۳۱)

دکتر وفا یزدان منش*

استادیار گروه اردو

دانشگاه تهران

ساختار کالج فورت ویلیام و عملکرد آن با رویکرد نثر اردو و زبان

فارسی

چکیده

انگلستان برای گستراندن قدرت رو به فزونی‌اش، در سال ۱۸۰۰م. فورت ویلیام کالج را در شهر کلکته تأسیس کرد. آنان برای افزایش آگاهی افسران شان از فرهنگ و زبان بومیان شبه قاره هند، ناخواسته، به غنای زبان اردو و ژرف‌پویی‌اش یاری رساندند و تألیف به زبان اردو بیشتر و بیشتر شد که این رویکرد، هم قلمرو زبان اردو را گسترش داد و هم تألیف‌هایی در زمینه‌ی دستور زبان، در پی داشت. پیامد این حرکت، ترجمه‌ی داستان‌های فارسی به زبان اردو بود که بیشتر طیف‌های مردمی را به سوی خود جلب کرد. چنین می‌نماید که قطع نفوذ زبان فارسی و فرهنگ آن در این پهنه، محور اصلی سیاست سلطه جویان بوده است. اگرچه عمر فورت ویلیام کوتاه بود و عاقبت به دست سران مؤسس خود از صفحه‌ی تاریخ محو شد، ولی کارنامه‌ی درخشانی را بر جای گذاشت. در این مقاله سعی شده است انگیزه‌ی این کارنامه‌ی درخشان را با توجه به اساس و اسباب برکناری فورت ویلیام مورد بررسی قرار دهیم. محوریت این مقاله ادغام بررسی سیاست و اعمال نظر انگلیسی‌ها؛ تأثیر فارسی و ادبیاتش در متون تهیه شده در آنجا و نحوه شکل‌گیری نثر ادبی اردوست. روش تحقیق، استفاده از متون معتبر اردو و تحلیلی بر محور مقاله می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اردو، ترجمه، داستان، فارسی، فورت ویلیام، کریست.

*Email: v.yazdanmanesh@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۱۵

مقدمه

انگلیسی‌ها همراه دیگر اروپایی‌ها در اوایل قرن شانزدهم به بهانه‌ی تجارت وارد هندوستان شدند. بعدها باتوجه به افول سلطنت مغول و تفرقه‌ی موجود میان حاکمان این سرزمین، دیری نپایید که انگلیسی‌ها بانفوذ خود در این پهنه، بخش‌هایی از هندوستان را به زیر سلطه‌ی خود درآوردند. تا آنجا که در سال ۱۷۶۵م، انگلیسی‌ها بیشترین بخش خاوری شبه‌قاره مانند بنگال، بیهار و اریسه را به تصرف خود درآورده بودند. کمپانی هند شرقی (East India Company) که در ظاهر شرکتی بازرگانی بود، ولی درحقیقت اهدافی سیاسی را به دنبال داشت، برای مستحکم کردن قدرت خود، نیاز مبرمی را به شناخت آداب و رسوم و گویش‌های مختلف مردم شبه‌قاره احساس کرده بود. در این راستا اولین اقدام آن‌ها، نظارت و دخالت برنظام آموزشی منطقه بود.

برای تحقق بخشیدن به این هدف، ژنرال وارن هستینگز (Warren Hastings)، رئیس کمپانی و فرماندار کل انگلیس، در ۱۷۸۰م. مدرسه کلکته (Calcutta Madrasa) و در ۱۷۸۴م. مدرسه‌ای به نام جامعه‌ی آسیایی بنگال (Asiatic Society of Bangal) در منطقه‌ی انگلیسی نشین کلکته تأسیس کرد که در آنجا به افسران انگلیس، زبان‌های محلی منطقه، فارسی، فرهنگ و آداب و تاریخ شبه‌قاره تدریس می‌شد. در سال ۱۷۹۸م. باورود ژنرال لرد مارکوس ریچارد ولسلی (Marquess R.C. Wellesley) و پیشنهاد وی، هر دو مدرسه به حوزه‌ی شرق-شناسی (Oriental Seminary) باریاست جان گیل کریست (Borthwick John Gil Christ) (متوفی ۱۸۴۱م) ارتقا پیدا کرد. این مرکز به مدرسه‌ی گیل کریست نیز مشهور است. کارکنان کمپانی، پس از فراگرفتن زبان اردو وارد آنجا می‌شدند. همین مدرسه بود که بعدها بنیاد فورت ویلیام کالج شد. ولسلی در دهم ژوئیه سال ۱۸۰۰م. در کلکته، فورت ویلیام کالج را با هدف مرکز آموزش علوم و هنر جدید و فراگیری زبان‌های عربی، فارسی و سانسکریت به ریاست کشیش دیوید براون (Rev. David Brown) افتتاح کرد. ناگفته نماند که هدف اصلی بنیاد نهادن این کالج، آموزش این علوم به افسران انگلیسی بود. ولسلی اصرار داشت که کالج در چهارم می ۱۸۰۰م. بازگشایی شود که این تاریخ یادآور روز شکست تیپو سلطان به دست نیروهای ولسلی است. تیپو سلطان تا آنجا که در توان داشت با دشمن استعمارگر

جنگید و سرانجام نیز از پای درآمد. از این روی، ولسلی این روز را مهّم می‌شمارد؛ چه آن را بیان‌گر رهبری یک تفکر سیاسی در پشت صحنه می‌دانست.

پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به اهمّیت و نقش ماندگار فورت ویلیام کالج در تاریخ ادبیات اردو، در این باره تألیفات بسیاری به صورت کتاب و مقاله به زبان‌های مختلف به خصوص اردو و انگلیسی صورت گرفته است. در این راستا در زبان فارسی تحریرهای اندکی وجود دارد. داستان-نویسی معاصر هند از مریم خلیلی جهان‌تیغ و راجندر کمار؛ ادبیات داستان نویسی در ایران و ممالک اسلامی تألیف و ترجمه‌ی یعقوب آژند و مقاله‌ی پیوستگی اردو با فارسی دری در مسائل زبان فارسی در هند و پاکستان از مشایخ فریدونی نمونه‌ای از این مهّم هستند، اما در آن‌ها مطالبی مانند داستان اردو، دست‌نویسی در اردو و چگونگی روند نفوذ انگلیس در شبه قاره تنها به صورت پراکنده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لذا نیاز به تمرکز یافتن این موارد در یک تحریر، از پیش احساس شده بود که این مقاله در پی رفع این نیاز یاد شده می‌باشد.

سیاست حاکم در فورت ویلیام

«نظام آموزشی حاکم در فورت ویلیام کالج، همانند نظام آموزشی افسران در کشور انگلیس بود. دانشکده، رئیسی که به آن پراوست (Provost) می‌گفتند و هم‌چنین معاونت آموزشی داشت. شرکت در مراسم عشاء ربّانی (Divine Service) برای همه‌ی هنرآموزها اجباری بود» (جالبی، ۲۰۰۶: ۴۰۸) این امر نشانگر آن است که انگلیس با حفظ قانون حاکم در کشور خود، از هرگونه تأثیرپذیری هنرآموزها و عوامل خود از فرهنگ و رسوم شرقی پیش‌گیری می‌کرده و شرق‌شناسی را فقط برای تحقّق بخشیدن به آرمان‌های خود دنبال می‌کرده است و از نفوذ آن در فرهنگ خود ممانعت به عمل می‌آورده است.

انتخاب شهر کلکته برای این منظور، به‌چند دلیل، بسیار سنجیده بود؛ نخست آن‌که این منطقه نسبت به مناطق دیگر هند، کمتر تحت تأثیر فارسی و علاقه‌ی مردم کلکته و دکن به

فارسی، کمتر از مناطق دیگر بود دوم آن که در اثر تسلط روزافزون انگلیسی‌ها در شمال هند و حکومت پادشاهی در دکن، حاکمیت فارسی کمرنگ‌تر شده بود؛ پس انگلیسی‌ها برای درک جامعه‌ی هندی، نیاز به شناخت زبان اردو و هندی داشتند (انور سدید، ۲۰۰۴: ۲۲۳)

در ادامه‌ی این نظریه باید افزود که با توجه به دور بودن کلکته نسبت به شهرهای دیگر شبه قاره از ایران، انگلیسی‌ها انگیزه‌ی بیشتری به فعالیت در آن شهر داشتند. همچنین از دیر-باز مردم دکن که اصالت آن‌ها به قوم دراویدی می‌رسد، فزون‌تر از اقوام دیگر شبه قاره، حافظ اصالت خود بودند. انگلیسی‌ها از این دو عامل، بهره گرفته و در خاور شبه قاره اخگری افروختند و به انتظار نشستند تا در فرصتی مناسب، آن را در غرب و دیگر بخش‌های این مرز و بوم بگسترانند. در این میان، باید از گیل کریست یاد کرد که از همگی استادان و خاورشناسانی که در فورت ویلیام پویا بودند، نام‌آورتر بود.

گیل کریست

دکتر گیل یا جیل کریست اهل اسکاتلند بود و در سال ۱۷۸۲م. برای اولین بار به منظور طبابت در ارتش کمپانی هند شرقی، وارد هند شد. او باور داشت که لازمه‌ی موفق‌شدن و لذت بردن از زندگی در کشور دیگر، شناخت زبان آن مرز و بوم است؛ بنابراین وی افزون بر پیشه‌ی خود، به فراگیری زبان‌های شبه قاره از جمله، اردو و علوم شرقی پرداخت و در آن‌ها تبخّر پیدا کرد تا جایی که بعدها تدریس این زبان‌ها را به افسران انگلیسی بر عهده گرفت و تمام عمر خود را صرف تحقیق و پژوهش زبان اردو کرد. با تأسیس فورت ویلیام، وی به عنوان استاد در آن‌جا به آموزش پرداخت. در ابتدا دیوید براون (Rev. David Brown) و بعدها کاپیتان توماس ریبوک (Thomas Roebuck) رئیس کالج شدند. بر سر این مسئله که گل کریست نیز از رؤیسان کالج بوده یا نبوده؛ اختلاف نظرهایی وجود دارد که عتیق صدیقی با استدلال، ریاست وی را نفی می‌کند (صدیقی، ۱۹۶۰: ۳۵-۳۱) به هر روی، گیل کریست در گسترانیدن علم و ادب، سخت کوشا بود. به گونه‌ای که او را می‌توان در زمره‌ی شایسته‌ترین اعضای این تشکیلات دانست.

وی در سال ۱۸۰۴م. به علت بیماری از فورت ویلیام استعفا داد، اما از رخدادهای پسین کالج، چنین پنداشته می‌شود که عدم تفاهم وی با سران انگلیسی حاکم در شبه قاره، انگیزه‌ی کناره‌گیری وی از کار بوده است (همان: ۱۸۵) کالج طی این چهار سال، پویاترین دوره‌ی خود را گذرانده است. گل کریست در زمینه‌ی زبان اردو، به‌ویژه دستور آن، آثار ماندگاری پدید آورد که شهره‌ترین آنان به شرح زیر است:

کتابچه‌ی دو زبانه‌ی، فارسی و انگلیسی، با عنوان «نظریه‌ی جدید افعال فارسی همراه مصدرها و مترادف آن‌ها در هندی» (A new theory of the prospects of Persian verbs) (کلکته، ۱۸۰۱)؛ اولین فرهنگ انگلیسی، اردو (English and Hindoostanee Dictionary) (۱۷۸۷-۱۷۹۰)؛ دستور زبان هندی (A Grammar of the Hindoostanee Language) (کلکته، ۱۷۹۶م)؛ و زبان شناسی شرقی (oriental Linguist) (کلکته، ۱۷۹۸م)؛ راهنمای اردو برای بیگانگان (The strangers' East India guide to the Hindustanee) (کلکته، ۱۸۰۱م)؛ کتاب دستور زبان هندی وی، مجموعه‌ای است مشتمل بر آواشناسی، بررسی ساختار هجا، ساختار صرفی و نحوی در اردو و در برخی موارد استفاده از خط دیوناگری.

هدف گیل کریست از تألیف، آموزش زبان اردو به انگلیسی‌ها بود. در حقیقت مهمترین نتیجه‌ی مطلوب تألیف‌های وی، شناساندن زبان اردو به ملیت‌های دیگر بود. بایسته‌ی یاد-آوری است که این‌گونه نوشتارهای آموزشی توسط غیر بومی‌ها، در بیشتر زبان‌ها رایج است. به هر روی پژوهش، تألیف و آموزش دستور زبان اردو توسط بیگانگان آغاز و پایان یافت.

کالج، غیرمستقیم، به ترویج آیین مسیحی گرایش داشت که بارزترین مصداق آن ترجمه و چاپ انجیل به زبان اردو است. با تبلیغات کمپانی هند شرقی، از سال ۱۸۴۰ - ۱۸۳۸م. حدود پنج هزار نفر به آیین مسیحیت گرویدند (صدیقی، ۱۹۷۱: ۲۱) بی‌گمان، یکی از پیامد-های کاهلی بومیان در پردازش زبان بومی خود و پویایی بیگانگان در پژوهش‌گری و تدوین زبان، نفوذ فرهنگ و آیین بیگانگان خواهد بود. کریست برای درک ادبیات اردو، آشنایی به علوم دینی را لازم می‌دانست، از این روی، به ترجمه‌ی قرآن مجید به زبان اردو روی آورد (سید محمد، ۱۹۵۰: ۱۵)

با نفوذ بیشتر انگلیسی‌ها در منطقه، فاصله‌ی مردم شبه قاره با زبان فارسی بیشتر می‌شد. "به تدریج رابطه‌ی زبان فارسی با عوام کم‌رنگ شده و رواج آن در قشر خاصی از مردم دیده می‌شد. در دهه‌ی سوم قرن نوزدهم، کمپانی هند شرقی در مناطق تحت تصرف خود، اقدام به رسمی کردن زبان اردو کرد. در سال ۱۸۳۷م. دولت به حکومت‌های ایالتی اجازه داد که به جای فارسی، زبان ایالتی آن‌ها، زبان رسمی منطقه شود و از شواهد برمی‌آید که تا سال ۱۸۳۸م. زبان اردو رسمیت پیدا کرد و در سال ۱۸۴۴م. طی لایحه‌ای استخدام افراد مسلط به انگلیسی درالویت قرار گرفت." (صدیقی، ۱۹۷۱: ۱۹، ۴۷) این در حالی است که پیش از این رویدادها، گل کریست پیشنهاد ملی شدن زبان اردو را به جای زبان فارسی مطرح کرده بود. پس، می‌توان نتیجه گرفت که گل کریست تنها سرگرم امور علمی نبوده و امور سیاسی منطقه را نیز مد نظر داشته است.

نظام آموزشی در کالج فورت ویلیام

در ابتدا دروس مصوب این کالج عبارت بودند از: زبان‌های شرقی مثل عربی، فارسی، سانسکریت، هندی، بنگالی، تلنگی (Telengi)، مرهتی و تامیلی؛ حقوق اعم از فقه، هندویزم، علم اخلاق، حقوق بین‌الملل، قانون انگلستان؛ امور بازرگانی، اعم از اقتصاد، مطالعه‌ی اداره-های بازرگانی با تأکید بر مفاد کمپانی هند شرقی، جغرافی و حسابداری؛ زبان‌های جدید اروپایی اعم از یونانی، لاتینی و ادبیات کلاسیک انگلیسی؛ تاریخ اعم از تاریخ قدیم و جدید هند و دکن و کشورهای دیگر، تاریخ طبیعی؛ علوم اعم از گیاه‌شناسی، شیمی و نجوم (صدیقی، ۱۹۶۰: ۱۳۸-۱۳۹) از تدریس این علوم برمی‌آید که ولسلی به تأسیس موسسه‌ای فراتر از کالج می‌اندیشیده است تا جایی که گفته می‌شود که وی و گیل کریست در صدد تأسیس دانشگاه اردو نیز بودند و حتی در راه‌اندازی رشته‌هایی مثل ریاضی، تاریخ، جغرافی، اقتصاد و غیره نیز در تکاپو بودند، ولی شورای مدیران که با شروطی مجوز تأسیس کالج و آموزش زبان‌های منطقه را داده بود، حاضر به اقدامی فراتر از آن نبودند و به خواسته‌های آن دو اهمیتی ندادند (سید محمد، ۱۹۵۰: ۲۸۳) در نتیجه، این کالج به مرکز

آموزش زبان‌های داخلی هند به خصوص اردو و خاورشناسی و به مرور فقط به آموزش زبان‌های شرقی محدود شد.

سرانجام به‌علت مختل بودن وضعیت اقتصادی و عدم تفاهم بین ولسلی و سران انگلیسی در زمینه‌ی مسائل مالی کالج، در سال ۱۸۰۶م. ولسلی به انگلستان بازگشت و در سال ۱۸۰۷م. از تعداد کارکنان کالج و مدرسان آن نیز کاسته شد و بدین ترتیب اولین دوران فعالیت فورت ویلیام به پایان رسید و به صورت یک مرکز آموزشی غیر فعال درآمد. در سال ۱۸۳۰م. در کلکته مدرسه‌ی انگلیسی تأسیس شد علوم دینی مسیحی جزو دروس آن مدرسه بود و برای گرویدن اهالی شبه قاره به دین مسیحیت، تدابیری منسجم اخذ شد. درحقیقت انگلیسی‌ها تحت آموزش کالج فورت ویلیام با فرهنگ و زبان مردم شبه قاره آشنایی پیدا کرده و باحذف زبان و ادبیات و فرهنگ فارسی، توانستند آن هدفی را که از سال‌ها پیش طراحی کرده بودند، عملی کنند. تا جایی که بعدها در سال ۱۸۳۸م. با ارائه‌ی طرح جدید آموزشی توماس بابینگتن میکالی (Thomas Babington Macaulay) معروف به لرد میکالی (Lord Macaulay) متوفی به ۱۸۵۹م برای رواج زبان انگلیسی به جای زبان فارسی، آن کالج هم ارزش خود را از دست داد و به شکل مدرسه‌ای معمولی برای کارکنان انگلیسی درآمد. کالج در سال ۱۸۵۲م. بادستور لرد دلهوسی (Lord Dalhousi) بسته شد.

خدمات علمی

خدمات علمی و ادبی این کالج به مدت بیست سال (۱۸۲۰-۱۸۰۱) جریان داشته است. در این دوره، پنجاه کتاب اردو به صورت تألیف و ترجمه توسط هجده مصنف با موضوعات داستان تخیلی، تذکره، صرف و نحو، تاریخ، اخلاق، فقه و مذهبی چاپ و منتشر شدند (قادری، ۱۹۸۸: ۱۶۲-۱۶۱) در این میان، شمار عنوان‌های ادبی چشم‌گیر است و نتیجه‌ی آن، رسیدن زبان اردو به قابلیت‌هایی مهم می‌باشد.

در هندوستان گویش‌های مختلفی وجود داشت، اما از آن‌جا که بخش گسترده‌ای از مردم شبه قاره به زبان اردو تکلم می‌کردند، این زبان بیشتر مورد توجه کمپانی قرار گرفت. فارسی بودن زبان دربار مغول، رسمیت و رایج بودن آن بین قوم مرهته و علاقه‌ی مردم شبه قاره به

ویژه مسلمان‌ها به زبان وادیات فارسی، انگلیسی‌ها را برآن داشت که افزون بر زبان اردو، فراگیری زبان فارسی را نیز در اولویت قرار دهند تا با مطالعه و تحقیق متونی که مورد توجه اهالی شبه قاره بود، بتوانند به تمایل و گرایش‌های این ملت دست یابند. تا جایی که گیل کریست می‌گوید: «اگرچه به واسطه‌ی زبان هندی، زبان فارسی را هم یاد گرفته‌ام، اما اعتراف می‌کنم که پیچ و خم‌های دستور زبان فارسی هنوز هم برایم تازگی دارد. با این وجود، امیدوارم طی چند ماه بر آن تسلط یابم و آن اندازه از فارسی را که برای یک محقق زبان هندی لازم است، فراگیرم.» (صدیقی، ۱۹۶۰: ۱۱۶)

مهمترین اقدام فورت ویلیام پدیدآوردن متون نثر اردو با بیانی ساده بود. اگرچه بیشتر آن‌ها، ترجمه‌ی متون فارسی و هندی است، در این زمینه، مترجمان به راستی خلاقیت نشان دادند، آنان به ترجمه‌ی واژه به واژه نپرداخته، بلکه مفهوم و پیام متن را به زبان اردو پروراندند. این روش، به گسترش فضای فرهنگی هند انجامید. در خور یادآوری است که هدف آغازین از این جنبش فرهنگی، ترجمه‌ی متون و فراهم سازی الگوی ساده‌ی زبان برای آموزش نظامیان انگلیسی بود که تأثیر آن، در محدوده‌ی نظامی پا بر جا ماند. اقدام بعدی انگلیسی‌ها دسترسی به متون نثر روان اردو، تهیه‌ی کتاب‌های درسی، فرهنگ لغت، تدوین دستور اردو، ترجمه‌ی داستان‌های برتر فارسی و برخی آثار هندی به زبان اردو بود. برخی از منتقدان، این اقدام را نیک‌اندیشی این دو دانشمند (ولسلی و گیل کریست) برای گسترش ادبیات اردو و زدودن نقایص بخش نثر آن دانسته‌اند. اگرچه این اقدام، دگرگونی شگرفی را در زبان و ادبیات اردو در پی داشت ولی برخی منتقدان، نیک اندیشی و دلسوزی بیگانگان را نسبت به زبان و ادبیات اردو رد می‌کنند: «هدف دیگر انگلیسی‌ها از این تصانیف، به‌دست آوردن دل رعیت‌ها و نشان دادن دبدبه و بخشش و علم دوستی بود» (انور سدید، ۲۰۰۴: ۲۳۹)

از این روی، ولسلی و گیل کریست، اداره‌ی تألیف و ترجمه را در فورت ویلیام تأسیس کردند و استادان، افزون بر آموزش، به ترجمه هم پرداختند و کارشناسان فارسی به رتبه‌ی منشی، کارشناسان عربی به رتبه‌ی مولوی و هندوها به درجه‌ی پندیت رسیدند. رتبه‌ی اساتید و محققان فارسی به ترتیب شامل نایب منشی، منشی، نایب میرمنشی و میرمنشی بود.

میربهادر علی حسینی، تارنی چرن متر، مرتضی خان، غلام اکبر، نصیرالله، میرامن، غلام اشرف، هلال‌الدین، محمد صادق، رحمت‌الله خان، غلام غوث، کندن لال، کاشی راج، میرحیدر بخش حیدری از جمله نخستین استادان کالج بودند.

تاریخچه نثر اردو

برای نفوذ در دل یک ملت، ارتباط کلامی، شرطی لازم، اما ناکافی است. برای رسیدن به این هدف باید اشتراکات فکری پدید آورد؛ یکی از این اشتراکات، ادبیات است. علاقه‌ی وافر مردم شبه قاره به ادبیات فارسی، به علت اشتراکات فطری است. انگلیسی‌ها تنها برای رسیدن به اهداف سلطه‌جویانه‌ی خود، در صدد پی‌بردن و درک این اشتراکات برآمدند. «تا آن زمان (پیش از قرن نوزدهم) کتاب‌های نثری که در شمال هند تألیف شده بودند، درون‌مایه‌ی مذهبی داشتند. در دکن نیز همین وضعیت وجود داشت؛ رساله‌های نوشته شده در آن‌جا با موضوع مذهبی و تصوف بود. بنابراین گیل کریست برای دسترسی به متون ادبی اردو، مصنفان با صلاحیت را برای آماده سازی متون به زبان ساده و روان اردو، در کالج استخدام کرد و برای نشر آن‌ها چاپخانه‌ای در کالج راه‌اندازی کردند» (سهیل بخاری، ۱۹۸۷: ۱۰۰). این اولین چاپخانه با خط نستعلیق در هندوستان با عنوان «هندوستانی پریس» بود. تا آن زمان سرمایه‌ی ادبیات اردو، محدود به شعر می‌شد و بخش نثری اردو افزون بر متون مذهبی شامل آموزش اخلاقی مانند معراج‌العاشقین از بنده‌نواز گیسودراز؛ سب رس از ملا-وجهی برگرفته از قصه‌ی حسن و دل محمد یحیی نیشابوری و نوظرز مرصع از محمد حسین عطاخان تحسین برگرفته از قصه‌ی چهار درویش امیرخسرو دهلوی بود، اما نثر اردوی این تألیفات نیز به علت نزدیک بودن به نثر فارسی، فاقد بیانی ساده و روان بود. از آن‌جا که میل به قصه‌گویی از دیرباز در انسان‌ها وجود داشته است، اردو زبان‌ها برای تأمین خواسته‌ی خود، از داستان‌های فارسی بهره می‌بردند و متون اولیه‌ی نثر اردو نیز با محتوای داستان‌های تخیلی آراسته شده به آرایه‌های ادبی موجود بودند. فورت ویلیام شیوه‌ی ترجمه را برای تهیه‌ی متون ساده برگزید. در زمینه‌ی ادبیات، بیشترین متون ترجمه شده، برگرفته از متون

داستانی فارسی‌اند. با آماده‌سازی متون نثر داستانی اردو، بزرگترین اقدام در تاریخ ادبیات نثری اردو توسط فورت ویلیام کالج به ثبت رسید.

الگو برداری از متون فارسی

در این جا به چند نمونه‌ی مهم داستان‌های اردو که از فارسی ترجمه شده‌اند، اشاره می‌شود:

۱- باغ و بهار: میرامن این داستان را از قصه‌ی چهار درویش به اردو ترجمه کرد. اولین بار باغ و بهار در سال ۱۸۰۳م. در کلکته به چاپ رسید. درباره‌ی مؤلف اصلی زبان فارسی این داستان، اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر برآنند که چهار درویش، تألیف امیرخسرو (متوفی: ۷۲۵) است. البته شیرانی با استدلال، مصنف آن را محمدعلی معصوم می‌گوید (شیرانی، ۱۹۸۷: ۱۲۲-۱۱۷) اگرچه چهاردرویش پیش از این هم به زبان اردو، به شکل نثر و شعر برگردانده شده بود، ولی فقط سه نسخه‌ی آن باعث افتخار تاریخ ادبیات اردو است؛ «نو طرز مرصع» (۱۷۷۵م) از محمدحسین عطاخان تحسین؛ «باغ و بهار» از میرامن و «چهار درویش» از محمدغوث زرین. در بین این سه نسخه، از قلم معجزه‌آسای میرامن، این قصه شهرت مردمی و جاودانگی پیدا کرده است. (گیان چند، ۱۹۸۷: ۲۵۷)

روانی و شیوایی بیان، به کارگیری زبان روزمره‌ی دهلی، ارائه‌ی تصاویر زنده از جامعه‌ی آن زمان، مانند آداب و رسوم، خوراک و پوشاک، باورهای اسلامی و ترسیم فرهنگ درباری دهلی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد باغ و بهار است. میرامن چنان با مهارت داستان را با ذوق و ظرافت، همراه عناصر سرزمین خود ارائه می‌دهد که فراتر از ترجمه به نظر می‌رسد. باغ و بهار، مجموعه‌ای متشکل از پنج داستان پادشاه کشور روم، آزادبخت و چهار درویش که هر کدام بلند پایگانی از کشورهای مختلف‌اند، می‌باشد؛ هر یک از این افراد حکایت زندگی خود را بازگو می‌کند. بدون شک مأخذ اصلی باغ و بهار، چهار درویش فارسی است.

۲- الف: آرایش محفل: ترجمه‌ای با دخل و تصرف بسیار توسط سیدحیدر بخش حیدری (متوفی ۱۸۲۳م) از داستان فارسی هفت سیر حاتم (۱۴۸۶م) از ملاحسین واعظ کاشفی است که در سال ۱۸۰۵م به چاپ رسید. موضوع داستان مربوط به ایثار و نوع دوستی حاتم طایی و

سفرهای وی بادرون مایه‌های اخلاقی است که با تخیل و عناصر مافوق‌الطبی آمیخته است. «به‌عَلت عنصرهای مربوط به سرزمین هندوستان، اصل این داستان در هند نوشته شده است.» (همان: ۳۰۹)

ب- با همین تشابه عنوان، کتابی از افسوس (متوفی ۱۸۰۹م) موجود است که در سال ۱۸۰۵م به رشته‌ی تحریر درآمده و در سال ۱۸۰۸م به چاپ رسیده است. این کتاب پردازشی است از تاریخ هند، با تأکید بر آیین هندو تا سال ۱۱۰۷ق است. آرایش محفل از افسوس، برگرفته شده از خلاصه‌التواریخ (۱۶۹۵م) سبحان رائے بهنداری پتیا لوی است و افسوس برای ترجمه و تألیف آن از آیین اکبری و سیرالمأخرین و کتاب‌های دیگر در گستره‌ی تاریخ بهره برده است. به گفته‌ی جالبی (۲۰۰۶: ۴۶۱)، افسوس با این تألیف، نثر اردو را برای موضوعات تاریخی آماده ساخت. بعدها همین متن در دفعات به زبان انگلیسی ترجمه شده است (احتشام حسین، ۲۰۰۱: ۱۴۵).

۳- باغ اردو: میرشیرعلی افسوس، گلستان سعدی شیرازی را به اردو با عنوان باغ اردو ترجمه کرد و اولین بار در فورت ویلیام در سال ۱۸۰۲م به چاپ رسید. قسمت نثر گلستان سعدی به زبان نثر و قسمت شعری آن با حفظ شکل شعری به اردو ترجمه شد. گاهی برای تفهیم بهتر یک بیت شعر فارسی، آن را در دو بیت اردو ماهرانه ترجمه کرده و محاوره‌های فارسی را عیناً به صورت محاوره‌ی اردو برگردانده است. توسط همین باغ اردو، بسیاری عبارات سعدی زبان زد مردم شبه قاره شده است.

۴- توتا کھانی: سیدحیدر بخش حیدری، طوطی‌نامه‌ی ضیاء الدین نخشی را به اردوی دکنی رایج آن زمان با عنوان توتا کھانی برگرداند. این اثر در سال ۱۸۰۴م به چاپ رسید. اصل آن اثر، به زبان سانسکریت با عنوان شوکا سپیتی بوده است. (سکسینه، ۱۹۹۰: ۲۴۷)

۵- مذهب عشق قصه‌ی گل بکاولی: تاج‌الملوک و گل بکاولی عزت الله بنگالی توسط نهال چندلاهوری با عنوان مذهب عشق از فارسی به اردو درآمد. این داستان در سال ۱۸۰۴م. به چاپ رسید. محور اصلی مذهب عشق، بی‌ثباتی دنیا و معرفت حق و حرکت از عشق مجازی به سوی عشق حقیقی است. نهال چند، عشق را به‌عنوان یک دین ارائه می‌دهد.

بعدها دیاشنکر نسیم مذهب عشق را در قالب مثنوی باعنوان گلزار نسیم به اردو برگرداند. این مثنوی از شهرت خاصی برخوردار است.

۶- گنج خوبی: میرامن آن را از داستان اخلاق محسنی، ملاحسین واعظ کاشفی، به همراه تمامی شعرهای موجود در آن به اردو در سال ۱۸۰۳م. ترجمه کرد و بعدها در بمبئی به چاپ رسید.

۷- گلزار دانش: حیدربخش حیدری، آن را از بهار دانش تألیف شیخ عنایت‌الله در سال ۱۸۰۴ ترجمه کرد. بعدها عبادت بریلوی جلد اول آن را در سال ۱۹۷۳م به چاپ رساند. به نظر می‌رسد ترجمه‌ی حیدری به شکل واژه به واژه باشد.

۸- گل مغفرت: حیدر بخش حیدری، ابتدا کتاب روضه‌الشهدا از حسین واعظ کاشفی را با عنوان گلشن شهیدان ترجمه کرد، ولی به علت طول بودن، به چاپ نرسید. بعدها حیدری، خلاصه‌ی آن را با عنوان گل مغفرت در سال ۱۸۱۲م. در کلکته به چاپ رساند. این اثر، مشهور به ده مجلس با درون مایه‌ی مذهبی و در توصیف آل‌عبا و یاران امام حسین (ع) است. در سال ۱۸۴۵م. به زبان فرانسه ترجمه شد. (احتشام حسین، ۲۰۰۱: ۱۴۴)

۹- اخلاق هندی: متن اصلی آن به زبان سانسکریت و مجموعه‌ای از داستان‌های پندآموز با عنوان هتو پدیش (Hitopadeca) است. دو ترجمه‌ی آن به فارسی با نام‌های نگار دانش و مفرح‌القلوب صورت گرفت. میربهادرعلی حسینی، مفرح‌القلوب، ترجمه‌ی مفتی تاج‌الدین را با عنوان اخلاق هندی به اردو ترجمه کرد که در سال ۱۸۰۳ به چاپ رسید.

۱۰- خردافروز: حفیظ‌الدین احمد، خلاصه‌ای از عیار دانش ابوالفضل علامی را به اردو به اسم خرد افروز به ترجمه کرد. عیار دانش نیز ترجمه‌ی متن عربی انوار سهیلی، کلیله و دمنه توسط ملاحسین واعظ کاشفی است. خردافروز در سال ۱۸۰۴م. در کلکته به چاپ رسید.

۱۱- هفت گلشن: مظهرعلی خان ولا (متوفی ۱۸۱۶م)، هفت گلشن از ناصرعلی خان واسطی بلگرامی (متوفی ۱۱۳۸ق) را که مجموعه‌ای از پند و نصیحت با محتوای اخلاقی و مشتمل بر هفت بخش است، به اردو ترجمه کرد و عبادت بریلوی آن را در سال ۱۹۶۴م. در کراچی به چاپ رساند.

۱۲- داستان امیرحمزه: اگرچه داستان امیرحمزه را تألیف خلیل‌علی‌خان اشک می‌داند، ولی گیان چند، آن را برگرفته از رموز حمزه می‌شمارد، اشک نیز مصنف متن اصلی آن را ملاجلال بلخی گفته است. (گیان چند، ۱۹۸۷: ۲۴۸) داستان امیرحمزه، مجموعه‌ای از هشتاد و هشت داستان است که در بستر فضای هندوستان جریان دارد. افزون بر ادبیات به موضوعات تذکره‌نویسی، فرهنگ‌نویسی، دست‌نویسی، تاریخ، اخلاق و علوم دینی نیز توجه شد و تألیفاتی در این راستا نگارش یافت.

۱۳- تاریخ نادری: حیدربخش حیدری، آن را از تاریخ جهانگشای نادری (نادرنامه) از مورخ و منشی نادرشاه، میرزا محمد مهدی استرآبادی در سال ۱۸۰۹م. ترجمه کرد.

۱۴- تاریخ آسام: میر بهادر علی حسینی، تاریخ آسام (آشام) را از ولی‌احمد شهاب‌الدین طالش با همین اسم به اردو برگرداند.

همچنین ترجمه‌ی تاریخ شیرشاه سوری از عباس‌خان سروانی به نام تاریخ شیرشاهی و ترجمه‌ی تاریخ جهانگیر شاهی از معتمد خان به نام اقبال‌نامه‌ی جهانگیری توسط ولا؛ ترجمه‌ی اکبرنامه از ابوالفضل علامی با عنوان کتاب واقعات اکبر توسط خلیل‌علی‌خان اشک و ترجمه و تکمیل‌ی تذکره‌ی گلزار ابراهیم، علی‌ابراهیم خان خلیل توسط میرزا علی لطف به اسم گلشن هند (تألیف سال ۱۸۰۱م) و صرف اردو از مولوی امانت الله از نمونه‌های دیگر ترجمه‌های صورت گرفته در فورت ویلیام‌اند.

از محتوای متون تاریخ مدون درکالچ برمی‌آید که انگلیسی‌ها می‌خواستند بی‌کفایتی پادشاهان شبه قاره و قانون‌مندی و مدبر بودن خودشان را در امور کشورداری به عوام شبه قاره القا کنند (افسوس، مقدمه عابد علی عابد، ۱۹۶۳، الف: ۵۸)

ویژگی‌های زبانی این آثار

ویژگی مشترک این متون، سادگی، روانی، استفاده از زبان روزمره و دوری‌گزینی از پیچیدگی‌های زبانی و آرایه‌های ادبی است. گیل کریست بر استفاده از زبان ناب اردو، در آن جا که متن مبدأ سرشار از آرایه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌های پر از صنایع ادبی، تاکید کرده‌است؛ چه او می‌داند که مترجم نمی‌تواند از تأثیر آن به‌طور کامل ایمن بماند. به‌کارگیری واژه و

ترکیب‌های فارسی و عربی و ساختار جمله‌ی فارسی در باغ و بهار، گنج خوبی، باغ اردو، گلزار دانش، آرایش محفل، مذهب عشق، تاریخ نادری و گلشن هند نمونه‌هایی از این نوع تأثیرپذیری‌اند.

سید وقار عظیم، درباره‌ی متن گنج خوبی و اخلاق محسنی می‌گوید: «اولین موردی که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بیان ساده و روان است. هدف نویسندگان، استفاده از زبانی نزدیک به زبان روزمره بوده است. دومین خصوصیت این است که در حین ساده بودن، رنگ نوشتار فارسی بر این متون چیره شده است و سوم این که مصنف با به کارگیری اشعار و یا عبارات مسجع، با بیانی شاعرانه، ادبیات زیبایی در اثر خود ایجاد کرده است» (وقار عظیم، ۲۰۰۷: ۴۳)

دو علت می‌توان برای وجود واژگان و ترکیب‌های فارسی ذکر کرد: مترجم ناخودآگاه تحت تأثیر زبان متن اصلی قرار گرفته و عناصر آن را به زبان مقصد منتقل می‌کند و دیگر این که، مردم شبه قاره با برخی واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی، عجین شده بودند که آن‌ها را جزوی از زبان خود می‌دانستند.

متون و داستان‌هایی نیز از زبان‌های عربی، هندی مانند سانسکریت و برج بهاسا (BrajBhasa) و غیره به اردو ترجمه شد که نمونه‌هایی از آن‌ها شکنتلا ناتک، سنگ‌ها سن بتیسی، بیتال پیچیسی و مادهونل اور کام کندلا" هستند و به همان دلایلی که برای به کارگیری و نفوذ واژه‌های فارسی باز گفته شد، واژه‌های عربی، سانسکریت و برج بهاسا و غیره، وارد این متون و در نتیجه زبان اردو شدند. درباره‌ی رواج عناصر زبان‌های هندوستان در زبان اردو با توجه به فضای مناسب زبانی، این روند با شتاب بیشتری صورت گرفت.

تأثیر فرهنگی و ادبیاتی این متون

سکسینه (Saksena)، فورت ویلیام کالج را پایه‌گذار نثر اردو می‌داند (سکسینه، ۱۹۹۰: ۲۳۹) در صورتی که با توجه به در دسترس بودن متون نثری اردوی متعلق به چهار قرن پیش از فورت ویلیام، در دکن و گجرات، سخن سکسینه را این‌گونه باید تصحیح کرد که

کالج فورت ویلیام آغازگر نثر منسجم ادبی اردو و ارتقا دهنده داستان‌نویسی در زبان اردو است.

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، هدف نهایی فورت ویلیام کالج از رشد و گسترش زبان-اردو، ساده و روان نگاری و در نتیجه گسترش آن در شبه قاره بود، اما این که این گونه نگارش موجب تحوّل ناگهانی در ادبیات اردو بوده است یا نه، به گفته‌ی کاشمیری در محدوده‌ی زمانی ۱۸۰۰م در عرصه‌ی ادبی، تغییراتی در نگارش و معیار زبان روزمره در حال وقوع بود که این امر بیانگر آن است که نثر خسته حال اردو خود را برای مرحله‌ی جدیدی از تکامل آماده می‌کرد. در بطن نثر مسخّ و مرصع اردو که مورد پسند مردم و مطابق فرهنگ آن زمان بود، جریان ساده‌گویی در حال شکل‌گیری بود. کالج فورت ویلیام توانست از این فرصت استفاده کند و این جریان را سامان‌دهی نماید. نمونه‌ی متون نوشته شده به اردو پیش از کالج، مه‌افروز و دلبر، عجائب‌القصص و نوآیین هندی است. (کاشمیری، ۲۰۰۳: ۴۹۴)

با توجه به تدریس سه زبان مهمّ منطقه یعنی بنگالی، هندی و اردو، روند تألیف و چاپ متون بدین صورت بود؛ متونی که براساس رسم الخط زبان عربی و فارسی آماده می‌شد، با عنوان اردو و آن دسته از متون که به خط دیوناگری تهیه می‌شدند با عنوان هندی تفکیک می‌شدند. عابدعلی عابد این نوع جریان را در پی هدف و نگرش سیاستمدارانه‌ی انگلیس تلقی می‌کند و می‌گوید: «این نوع اختلاف در متفاوت بودن زبان‌ها منجر به دامن‌زدن بر اختلاف شدید فرهنگی میان دو ملت شد.» (افسوس، مقدمه عابد، ۱۹۶۳، ب: ۵۲) همچنین وی تألیف این ترجمه‌ها را تأمین‌کننده‌ی ابعاد مهمّ تقویت اقتدار حکومت انگلیس می‌داند. آشنایی با زبان روزمره‌ی رایج منطقه، برای ارتباط بهتر با مردم، به‌ویژه قشر رعیت؛ آگاهی بر رسوم و آداب و گرایش‌های ملت برای ملاحظه کردن ارزش‌ها و باورهای آن‌ها در انتظام و قانون‌گذاری و اجرای آن در کشور» (همان: ۵۶-۵۲)

با قبول این گونه نظریه‌ها شاهد سیاست منفعت طلبانه‌ی انگلیس در شیوه‌ی نرم و صلح‌جویانه هستیم.

«کتاب‌های تهیه شده محدود به کالج می‌شد و خارج از کالج نه تنها وسعت پیدا نکرد، بلکه مردم از آن بی‌اطلاع بودند و بیرون از کالج متون نثری که آماده می‌شد، در موازی کالج بودند و تحت تأثیر آن نبوده‌اند» (احتشام حسین، ۲۰۰۱: ۱۴۸) به همین علت از کالج فورت ویلیام در ادبیات اردو با عنوان جزیره‌ی نثر اردو یاد می‌شود. در نتیجه انگلیسی‌ها در تهیه‌ی این متون، هدفی جز استفاده‌ی شخصی نداشته و هرگز به ارتقاء ادبیات یا زبان اردو نمی‌اندیشیده‌اند.

البته بعدها که این کتاب‌ها در خارج از کالج شناخته شدند، خیلی سریع توانستند بر نثر زبان‌های دیگر تأثیر بگذارند؛ به طوری که جالبی می‌گوید: «نگارش ساده مهم‌ترین خصوصیت این متون بوده‌است و این روش نه تنها نثر زبان اردو را تحت تأثیر قرار داد، بلکه نثر زبان‌های بنگالی، مرهتی و هندی را نیز تحت تأثیر قرار داد» (جالبی، ۲۰۰۶: ۴۱۰). نوع ترجمه و رعایت موازینی که در این اداره صورت گرفته است، بیانگر این است که به‌طور حتم، قطع رواج فارسی و ادبیات آن و از سویی تضعیف همبستگی مسلمان‌های دو کشور همسایه، محور اصلی سیاست انگلیسی‌ها بوده است. آن‌ها ناخواسته زبان و ادبیات نثری اردو را تقویت کردند و از آن‌جا که پایه و اساس بیشتر متون تهیه شده، به زبان فارسی بود، فرهنگ و ادبیات فارسی نیز همراه ترجمه، وارد زبان اردو شد. با این اوصاف می‌توان با قطعیت اظهار داشت که در ادبیات اردو، ترجمه، به شکل منسجم توسط این مرکز آغاز شده است.

به‌طور قطع، ترویج زبان مسلمان‌های شبه قاره یعنی زبان اردو و تقویت ادبیات آن، نه تنها جایی در سیاست مستکبرانه‌ی انگلیس نداشته؛ بلکه اگر توجهی به ادبیات داشته باشند، نفوذ ادبیات و فرهنگ خود را در این مرز و بوم خواهان بوده‌اند. همین دلیل کافی است که سران انگلیسی به فورت ویلیام مجوز فعالیت بیشتر را ندادند. دلیل آن امر، این است که انگلیسی‌ها به استحکام اقتدار خود و محکوم نگه‌داشتن ملت هند می‌اندیشیدند نه به یک انقلاب فرهنگی. «همچنین نگرانی دیگر آن‌ها جذب شدن افسران انگلیسی به علوم شرقی بوده است» (انور سدید، ۲۰۰۴: ۲۵۲)

نتیجه

دیر زمانی بود که زبان پارسی در هندوستان زبان ادبی رایج بود. این رواج، ریشه در تاریخی دور داشت که مهاجر نوازی هندی‌ها و شرایط نامساعد دولت‌ها و فرمانروایان ایرانی در گذر زمان، اسباب عمده‌ی آن بود. این مهاجرت در برخی سده‌ها، به صورت کوچ شاعران و نویسندگان درآمده بود و در برخی حکومت‌ها که به شاعران و نویسندگان اعتنایی نداشتند، مهاجرت‌ها بیشتر شد. به خصوص که در هندوستان، فرمانروایان بابری، خود شاعر و پارسی‌سرا و در نتیجه علاقه مند به جذب شاعران، نویسندگان و هنرمندان ایرانی بودند.

حکومت انگلستان که نفوذ زبان پارسی را مانع اهداف خود می‌دید، زیرکانه کوشید تا به تدریج زبان انگلیسی را جای‌گزین زبان فارسی کند. ضعف دولت‌های شبه قاره و اقتدار و فزون خواهی نظام حکومت انگلیس یکی از عوامل و انگیزه‌های دست‌یابی انگلیس به اهدافش بود. انگلیسی‌ها با تأسیس کالج فورت ویلیام، طرح خود را با آموزش آغاز کردند.

سپس با ترجمه‌ی آثار پارسی به تقویت زبان اردو پرداختند تا زبان اردو را از ادبیات پارسی بی‌نیاز کنند. به همین دلیل باید از زوایای مختلف به کالج فورت ویلیام نگریست. با بررسی تألیفات و ترجمه‌های انجام گرفته توسط کالج، می‌توان آن‌ها را به چهار گروه تقسیم کرد: متون داستانی، متون اخلاقی، متون تاریخی و زبان‌شناسی. اگر چه انگلیس برای محو فارسی از صفحه‌ی تاریخ فرهنگ و ادبیات شبه قاره، قرن‌ها در تلاش بوده، ولی شکست وی آشکار است؛ زیرا از آن‌جا که متون ترجمه شده به زبان اردو از اولین آثار نثر ادبی اردو شمرده می‌شوند، برای بررسی آن‌ها مطالعه‌ی الگوشان امری اجتناب‌ناپذیر است و این از افتخارات فارسی‌زبانان است که اولین خشت بنای ادبیات منثور اردو، آثار فارسی است.

مسئله‌ای که پس از گذشت دو قرن قابل بررسی است، تحوّل در زبان اردوست. زبان اردویی که با حفظ رابطه‌ی عمیقش با زبان فارسی، جای آن را در شبه قاره گرفت و در دهه‌های اخیر عناصر زبان انگلیسی چنان در زبان اردو نفوذ کرده‌اند که این زبان در حال از دست دادن ارتباط خود با زبان پارسی است. البته این جریان نیاز به پژوهش گسترده‌ای دارد تا روشن شود که سیاست انگلیسی‌ها چه روندی داشته و چگونه توانسته این دگرگونی را پدید آورد؟

منابع

- ۱- احتشام حسین (۲۰۰۱) **اردو ادب کی تنقیدی تاریخ**، نئی دہلی: قومی کونسل برائے فروغ اردو زبان.
- ۲- افسوس، میر شیر علی (۱۹۶۳) الف، **آرایش محفل**، چاپ کلب علی خان فائق، لاہور، مجلس ترقی ادب.
- ۳- افسوس، میر شیر علی (۱۹۶۳) ب، **باغ اردو گلستان سعدی کا مستند ترجمہ**، ۱۹۶۳، ب، لاہور: مجلس ترقی ادب.
- ۴- انور سدید (۲۰۰۴) **اردو ادب کی تحریکین** (ابتدا تا ۱۹۷۵ م)، دہلی: کتابی دنیا.
- ۵- جالبی، جمیل (۲۰۰۶) **تاریخ ادب اردو**، ج ۳، لاہور: مجلس ترقی ادب.
- ۶- سہیل بخاری (۱۹۸۷) **اردو داستان (تحقیقی و تنقیدی مطالعہ)**، اسلام آباد: مقتدرہ قومی زبان.
- ۷- شیرانی، حافظ محمود (۱۹۹۹) **مقالات حافظ محمود شیرانی**، ج ۹، بہ اہتمام مظہر محمود شیرانی، لاہور: انجمن ترقی ادب.
- ۸- صدیقی، شمس الدین (۱۹۷۱) **سیاسی، فکری، معاشرتی اور تہذیبی پس منظر** (۱۸۰۳ تا ۱۸۵۷)، جلد ہشتم، اردو ادب (سوم)، با مدیریت سید فیاض محمود، لاہور: دانشگاه پنجاب.
- ۹- صدیقی، محمد عتیق (۱۹۶۰) **گل کریست اور اس کا عہد**، علیگر: انجمن ترقی اردو.
- ۱۰- قادری، حامد حسن (۱۹۸۸) **داستان تاریخ اردو**، نوبت چہارم، کراچی: اردو اکادمی سند.
- ۱۱- سید محمد، مولوی صاحب (۱۹۵۰) **ارباب نثر اردو یعنی فورٹ ولیم کالج کے اردو نویسوں کا تحقیقی و تنقیدی تذکرہ**، چاپ سوم، لاہور: مکتبہ معین الادب.
- ۱۲- کاشمیری، تبسم (۲۰۰۳) **اردو ادب کی تاریخ ابتدا سی ۱۸۵۷ تک**، لاہور: سنگ میل پبلیشر.

- ۱۳- وقار عظیم، سید (۲۰۰۷) **داستان سے افسانے تک**، لاہور: الوقار پبلیشر۔
- ۱۴- گیان چند (۱۹۸۷) **اردو کی نثری شعری داستانیں**، لکھنؤ: اترپردیش اردو اکادمی۔

15- Saksena, Ram Babu (1990) **A history of Urdu literature**, New Delhi :Asian Educational Services,